

دوفصلنامه علمی- پژوهشی تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء(س)
سال بیست و چهارم، دوره جدید، شماره ۱۳، پیاپی ۹۸، بهار و تابستان ۱۳۹۳

تحلیل انتقادی تاریخ‌نگاری خوزستان در دوره پهلوی و جمهوری اسلامی

محمدرضا علم^۱

تاریخ دریافت: ۹۴/۳/۱۶

تاریخ تصویب: ۹۴/۷/۱۳

چکیده

ثبت و ضبط حوادث و وقایع تاریخی و نیز ویژگی‌های جغرافیایی مناطق مختلف ایران با قدمتی چندهزارساله می‌تواند جزء رسالت‌های تاریخی محققان و پژوهشگران عرصه تاریخ و فرهنگ باشد. در این میان نگارش تاریخ خوزستان و پردازش ویژگی‌های جغرافیایی آن از اهمیتی مضاعف برخوردار است؛ چراکه بر مبنای اسناد و مدارک معتبر تاریخی و جغرافیایی اولین دوره‌های حکومتی و سامانه‌های تمدنی در منطقه‌ای از ایران شکل گرفته است که در تاریخ کهن این کشور از آن با عنوان «عیلام» نام برده می‌شود که یقیناً به لحاظ جغرافیایی تاریخ خوزستان فعلی را شامل می‌شود. به همین دلیل شناخت و آشنایی با تاریخ‌نگاری محلی خوزستان و بررسی تطبیقی و تحلیلی منابع آن با توجه به جایگاه خوزستان

در شکل‌گیری تاریخ و تمدن چندهزارساله ایران امری مهم، ضروری و بایسته است. در مقاله حاضر تلاش شده است که منابع تاریخ‌نگاری خوزستان در دوره‌های پهلوی و جمهوری اسلامی مورد بررسی قرار گرفته و از نظر گونه‌شناسی و روش‌شناسی تحلیل و ارزیابی شوند.

واژه‌های کلیدی: خوزستان، تاریخ‌نگاری، جغرافیای تاریخی، تاریخ‌نگاری محلی، تاریخ ایران.

۱. مقدمه، تعاریف و طرح مسئله

اهمیت تاریخ‌نگاری، به‌منزله نوشتن تاریخ اقوام و ملل گوناگون، چیزی نیست که بر کسی پوشیده باشد. امروزه شناسنامه و هویت ملت‌ها در نگارش تاریخ و سرگذشت آن‌ها تبلور یافته است. ملتی متمدن و بافرهنگ محسوب می‌شود که این شناسنامه تاریخی با اهتمام محققان و پژوهشگران آن به‌روشنی نگارش یافته و در معرض دید جهانیان قرار گرفته باشد. به عبارتی، آنچه که مبنای قضاوت جامعه جهانی در خصوص پیشینه فرهنگ و تمدن هر کشوری قرار می‌گیرد، همانا تلاش اصحاب تاریخ و اندیشه‌گران عرصه فرهنگ آن جامعه در پردازش و نگارش سیرورت تاریخی آن کشور است. از طرفی، شناسایی و پردازش تاریخ هر کشور و تمدن هر ملت چیزی نیست جز سرگذشت همان ملت در قاب جغرافیایی آن کشور؛ بنابراین و با این استدلال تاریخ‌نگاری محلی در هر کشور و متعلق به هر قوم، سازنده هویت ملی و تاریخی همان ملت است. در ایران هم که از قاعده مذکور مستثنی نیست، تاریخ‌نگاری و به‌ویژه تاریخ‌نگاری محلی از اهمیتی فوق‌العاده برخوردار است؛ چراکه تاریخ چندهزارساله و پراهمیت ایران که زمانی طولانی بزرگ‌ترین امپراتوری‌های تاریخ بشری را شکل داده است، برپایه همین پردازش‌ها و تاریخ‌نگاری‌های محلی است. در این میان، خوزستان دارای اهمیتی دوچندان در تاریخ‌نگاری محلی است. به روایت اکثر قریب‌به‌اتفاق منابع تاریخ جهان، تمدن ایران و سامان‌یابی هویت سیاسی ایرانیان در محدوده‌ای شکل گرفته است که امروزه در تقسیمات منطقه‌ای کشور، خوزستان را شامل می‌شود؛ اما جدای از شکل‌گیری اولین تمدن بزرگ ایران در منطقه عیلام، وجود

آثار و سازه‌های تمدنی بسیار کهن همچون کاخ آپادانا در شوش که متعلق به تمدن ساسانیان است و نیز آثار مربوط به پارسوماش (منطقه مسجد سلیمان) که متعلق به تمدن هخامنشی است، بیانگر اهمیت منطقه خوزستان و جایگاه آن در تاریخ‌نگاری ایران است؛ بنابراین توجه به تاریخ‌نگاری محلی خوزستان از لحاظ وجود اولین تمدن‌های ایرانی در منطقه و نیز کهن‌ترین آن‌ها ضرورتی انکارناپذیر می‌نماید. در واقع، شناخت تاریخ خوزستان و شناساندن آن همانند شناخت مجموعه موزاییکی یک سازه است که شناخت هر کدام از آن‌ها شناخت مجموعه آن‌ها را کامل می‌کند. اینک باید گفت به فراخور این اهمیت، تاریخ‌نگاران اقدام به شناخت تاریخ خوزستان، پردازش و نگارش جغرافیا و نیز قوم‌شناسی این مرزوبوم کرده‌اند. در اینجا قبل از ورود به هر بحث دیگری لازم است تعریفی از «تاریخ‌نگاری محلی» ارائه شود تا وجه تمایز منابع مورد بررسی نویسندگان، روش پژوهش آن‌ها، و آنچه قرار است در متن گفته شود، بازتعریف گردد. به‌طور مشخص تاریخ‌نگاری محلی به ثبت وقایع تاریخی در محدوده یک محل می‌پردازد. وجه اصلی و مشخصه تاریخ محلی پیوند آن با یک عرصه جغرافیایی محدود و مشخص است. افزون بر عامل جغرافیایی که وجه مشترک اغلب این متون است، دیگر ویژگی این متون تأثیر علاقه مورخ به زادگاه خود در شکل‌گیری آن‌هاست. بنابراین با توجه به نکات مورد اشاره فوق، در مقاله حاضر دو بخش از منابع مربوط به تاریخ محلی در خوزستان مورد توجه واقع شده است: یکی آن دسته از منابع که به‌طور کلی در عرصه جغرافیایی مشخص و معینی همچون تاریخ خوزستان، جغرافیای خوزستان و نیز جغرافیای تاریخی خوزستان به رشته تحریر درآمده‌اند. طبیعی است که در این دسته زادگاه مورخ مدنظر نبوده است. کارهای افرادی همچون کسروی، اقتداری، ایرج افشار سیستانی و عباس میریان در این دسته قرار می‌گیرند. دسته دیگر منابعی است که مورخان خوزستانی نوشته‌اند و دلیل نگارش آن‌ها همچنان که گفته شد، علاقه به زادگاهشان بوده است. در مقاله حاضر خواهیم دید که ویژگی مشترک منابع این دسته، علاقه به زادبوم در نگارش تاریخ محلی خوزستان بوده است. پس با توجه به آنچه گفته شد، منابعی که در تحقیق حاضر مورد بررسی قرار می‌گیرند، می‌توانند منابعی باشند که هم تاریخ خوزستان را به‌طور کلی مورد توجه قرار داده‌اند و هم به‌صورت بخشی و

منطقه‌ای مثل توجه به تاریخ شهرهای خوزستان مانند شوشتر، دزفول، اهواز و... و یا حتی تحولات انسانی و مردمی همچون تحول در تاریخ اقوام و عشایر مختلف موجود در منطقه مثل عشایر لر، عشایر عرب، و نیز توجه به زبان‌ها و گویش‌های مختلف منطقه و سایر آداب و رسوم محلی به رشته تحریر درآمده‌اند. علاوه بر این، رویکردهای دیگری که در تحقیق حاضر مورد توجه قرار گرفته، هدف‌شناسی در آن‌ها بوده است. در این رابطه اهداف نویسندگان از نگارش متون تاریخی مورد بررسی قرار گرفته و به دسته‌هایی همچون کاربردی، علمی، آشنایی با سرگذشت اقوام، و نیز احیای هویت قومی و منطقه‌ای تقسیم شده است. سپس، در بخش پایانی منابع مذکور از بعد روش‌شناسی نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفته‌اند و روش‌هایی همچون تاریخ‌نگاری مصور، تاریخ‌نگاری ترکیبی، جغرافی‌نگاری، منابع منطبق بر اصول تاریخ‌نگاری و غیرمنطبق بر آن استخراج و برای مخاطب تدوین شده است. بنابراین با توجه به آنچه گفته شد، در تحقیق حاضر تلاش شده است که اهداف این تاریخ‌نگاری‌ها، نوع نگاه تاریخ‌نویسان به منطقه، رویکردهای قومی، شیوه‌های نگارشی آن‌ها و بالاخره نقد تاریخ‌نگاران به آثار در صورت امکان بررسی شود. بدیهی است در این راه کتاب‌هایی که از ویژگی‌های مذکور برخوردار بوده‌اند، مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته‌اند و پیشاپیش اذعان می‌شود که ساختار مقاله با توجه به تنوع و گستردگی منابع و متناسب با میزان دسترسی به آن‌ها سامان‌دهی شده است و طبیعی است که اگرچه گزارش جامعی از تاریخ‌نگاری خوزستان نیست، می‌تواند راه را بر تحقیقاتی از این دست باز کند.

۲. پیشینه موضوع

در زمینه پیشینه موضوع باید گفت که در خصوص تحلیل تاریخ‌نگاری در ادوار مختلف و در مورد منابع مختلف کارهایی انجام شده است که می‌توان از نوشته‌های صادق آینه‌بوند، عبدالحسین زرین‌کوب و نیز از مقالاتی که تألیف اسماعیل حسن‌زاده، علیرضا ملایی توانی، حسین آبادیان و محمدعلی اکبری و... است، نام برد که خصوصاً در آن‌ها تاریخ‌نگاری از صدر اسلام گرفته تا دوره تاریخی ایران میانه و معاصر مورد بررسی و نقادی

قرار گرفته است. اما درباره تاریخ‌نگاری خوزستان، آن هم به شکل تحلیلی و انتقادی، کار مستقلی صورت نگرفته است؛ به این معنا که روش‌ها و اهداف تاریخ‌نگاری افرادی که درباره خوزستان، چه در دوره‌های گذشته تا استقرار قاجارها در ایران و چه در دو دوره پهلوی و جمهوری اسلامی تألیفاتی داشته و کارهایی انجام داده‌اند، مورد نقادی و واکاوی قرار نگرفته است. البته، این به مفهوم آن نیست که منابع تاریخی‌ای که در زمینه خوزستان نوشته شده‌اند، خود فاقد هر گونه تحلیل و بررسی پیرامون پیشینه موضوع‌اند؛ بلکه نگارنده اعتقاد دارد که از زاویه نگاه مقاله حاضر که از منظر روش‌شناسی، گونه‌شناسی و هدف‌شناسی موضوع را دنبال کرده، کار مستقلی صورت نگرفته است. برای نمونه آن‌چنان که در متن مقاله خواهیم دید، افرادی همچون سردار اسعد بختیاری، حاج کاظم پور کاظم، سید محمدعلی امام اهوازی و... نقدهایی به روش‌ها و شیوه‌های تاریخ‌نگاری دیگران داشته‌اند؛ اما آثار آن‌ها از منظر هدف‌شناسی، تاریخ‌نگاری، و شیوه‌ها و رویکردهای مورد بررسی نظیر مقاله حاضر نبوده است؛ به همین دلیل این امید وجود دارد که مقاله حاضر باب این گونه نقادی‌ها را بگشاید.

۳. گونه‌شناسی در تاریخ‌نگاری محلی خوزستان

همان گونه که در مقدمه آمد، اهمیت خوزستان با تکیه بر مواردی همچون واقع شدن در منطقه جغرافیایی یکی از قدیم‌ترین تمدن‌های جهان و ایران یعنی عیلام، وجود تنوع قومی، زبانی و فرهنگی، و نیز دارا بودن اهمیت اقلیمی با تکیه بر عوارض جغرافیایی همچون دشت‌ها، کوه‌ها و نیز رودخانه‌های پرآب موجب شده است که کنجکاوی و علاقه پژوهشگران عرصه تاریخ و فرهنگ نسبت به این اقلیم برانگیخته شود و آثار متعددی در این زمینه به رشته تحریر درآید. البته، باید توجه داشت همان گونه که کنجکاوی درباره زندگی قهرمانان با ملاحظاتی همراه است (ملایی، ۱۳۸۸: ۱۵۱)، این کنجکاوی نیز با اماوگرهایی ملازم است؛ چرا که پردازش تاریخ محلی، آن هم در خصوص منطقه‌ای همچون خوزستان، شرایط و سازوکارهای خود را دارد؛ از جمله اینکه این پژوهش‌ها باید به گونه‌ای باشد که هم به صورت کیفی فهمیده شود و هم محیط پیرامون و جامعه بازشناسی

شود (ساروخانی، ۱۳۷۳: ۳۱۱). بنابراین در تعریفی اجمالی از محلی‌نگاری باید گفت: «تاریخ‌نگاری محلی به ثبت وقایع تاریخی در محدوده یک محل می‌پردازد و وجه اصلی و مشخصه تاریخ محلی پیوند آن با یک عرصه جغرافیایی محدود و مشخص است» (خیراندیش، ۱۳۸۰: ۷).

با این مقدمه می‌توان گفت که به‌طور کلی تاریخ‌نگاری محلی خوزستان در یک تقسیم‌بندی به اعتبار نویسندگان دو دسته می‌شود: دسته اول منابعی است که خوزستانی‌ها نوشته‌اند؛ به این معنی که پژوهشگران و محققان این خطه از فرهنگ‌های مختلف مثل عرب و عجم (شوشتری‌ها، دزفولی‌ها، اهوازی‌ها، لرها و...) با علاقه و احساس مسئولیت نسبت به منطقه خود دست به قلم برده و آثاری را در تاریخ‌نگاری محلی خوزستان به ثبت رسانده‌اند که برای نمونه می‌توان از افرادی همچون سیدمحمدعلی امام شوشتری نویسنده کتاب *تاریخ جغرافیایی خوزستان*، سیدمحمدعلی امام اهوازی نویسنده کتاب *تاریخ خوزستان*، موسی سیادت نویسنده کتاب *تاریخ خوزستان از دوره افشاریه تا دوره معاصر*، سید کاظم پور کاظم نویسنده کتاب *مدخلی بر شناخت قبایل عرب خوزستان*، نیره‌زمان رشیدیان نویسنده کتاب *نگاهی به تاریخ خوزستان* که با مقدمه دکتر ابراهیم باستانی پاریزی نگاشته شده است، حاج علیقلی خان بختیاری معروف به سردار اسعد بختیاری نویسنده کتاب *تاریخ بختیاری* و از مشروطه‌خواهان بنام ایران، محمد تقی‌زاده نویسنده کتاب *شوشتر در گذر تاریخ*، و بالاخره منصور امانی نویسنده کتاب *تاریخ ایذه و قوم بختیاری* نام برد. دسته دیگر این منابع از سوی نویسندگانی تألیف شده است که خوزستانی به معنی مقیم و یا متعلق به یک طایفه از طوایف و اقوام مختلف خوزستان نبوده‌اند؛ اما به دلیل مأموریت اداری و سیاسی به خوزستان آمده و پس از آشنایی با سرگذشت و تاریخ خوزستان از روی علاقه و کنجکاوی دست به نگارش تاریخ، جغرافیای تاریخی و یا سرگذشت بخشی از اقوام موجود در خوزستان زده‌اند. افرادی همچون احمد کسروی نویسنده *تاریخ پانصدساله خوزستان*، سرپرسی لورین (مأمور سیاسی بریتانیا در ایران) نویسنده کتاب *رضاشاه و شیخ خزعل*، مصطفی انصاری نویسنده کتاب *تاریخ خوزستان ۱۸۷۸-۱۹۲۵ دوره شیخ خزعل* که رساله دکتری وی از دانشگاه شیکاگو آمریکاست، احمد اقتداری که

کتاب‌های خوزستان و کهگیلویه و ممسنی، و دیار شهریاران را به رشته تحریر درآورده است، همچنین عباس میریان نویسنده کتاب *جغرافیای تاریخی خوزستان* و ایرج افشار سیستانی نویسنده چند کتاب در مورد خوزستان از جمله کتاب *دو جلدی خوزستان و تمدن دیرینه آن* و سایر منابعی که بنابه دلایل پیش گفته در مقدمه این مقاله از آن‌ها نام برده شد، جزء این دسته هستند که به همین تعداد بسنده می‌شود.

آنچه که در تبیین و تفسیر این گونه‌شناسی در تاریخ‌نگاری محلی خوزستان قابل مشاهده است، این است که معمولاً نویسندگان دسته اول یعنی کسانی که خود خوزستانی بوده‌اند، نگاهی انتقادی به نوشته‌های دسته دوم یعنی غیرخوزستانی‌ها داشته و دارند؛ مثلاً سید کاظم پور کاظم نویسنده کتاب *مدخلی بر شناخت قبایل عرب خوزستان* معتقد است: «چرا باید کسانی در یک منطقه چیزی بنویسند که کمترین آگاهی‌ای از آن ندارند؟» (۱۳۷۴: ۱۵) و سپس شاهد مثال خود را ایرج افشار سیستانی ذکر می‌کند که در دو کتاب *مقدمه‌ای بر شناخت ایل‌ها و طوایف*، و *نگاهی به خوزستان قبایل مستقلی مثل سواری، شرفه، بنی سالمه و...* را جزء بنی طرف و یا اینکه عشایری از بنی طرف را از قبیلۀ دیگری به حساب آورده است. پور کاظم همچنین معتقد است: «چرا باید تنها منبع ما درباره خوزستان کتاب احمد کسروی باشد که مغرضانه و یا ناآگاهانه با استفاده از بعضی منابع موضوعاتی را به رشته تحریر دریاورد که بعضاً حقیقتی در محیط اجتماعی ما نداشته باشد» (همان‌جا). نویسنده کتاب *شوشتر در گذر تاریخ* نیز هر چند با سخنی ملایم‌تر، اما به همین صورت منتقد برخی نویسندگان می‌شود و می‌نویسد: «ضمن پژوهش در آثار برخی نویسندگان و مورخان که در این زمینه قلم‌فرسایی نموده‌اند، لغزش‌هایی مشاهده شد» (تقی‌زاده، ۱۳۸۱: ۱۵) و در ادامه می‌گوید که این لغزش‌ها یقیناً بدون غرض بوده است و هدف خود را از یادآوری آن اشکالات روشن کردن حقیقت ذکر می‌کند (همان‌جا). سردار اسعد بختیاری نویسنده کتاب *تاریخ بختیاری* نیز در جایی که در مورد تصحیح و بازنویسی کتاب خود که به دست لسان‌السلطنه سپهر به رشته تحریر درآمده بود، توضیح داده است، می‌نویسد:

پس از رفع نگرانی‌ها در تاریخ بختیاری تجدیدنظر کردم. مندرجات چند جزء آن را که راجع به خدمات بختیاری و حالات آن‌ها در عصر مشروطیت بوده، مبنی بر مبالغه و اغراق یافتم؛ آن‌ها را جمع‌آوری کرده، سوزاندم. اگر از آن‌ها پیدا شود، برخلاف میل من بوده و محل اعتبار و اعتماد نیست (۱۳۶۳: ۷۴۶).

محمد جواهر کلام مترجم کتاب *تاریخ خوزستان* نیز از نویسنده این کتاب، مصطفی انصاری، انتقاد می‌کند که اگرچه بر بسیاری از گوشه‌های تاریک‌مانده تاریخ خوزستان پرتوی تازه‌ای می‌افکند، از یک نظر به همان مشکلی دچار است که سایر متون این دوره بدان دچارند و آن همانا ارزیابی نادرست نقش اعراب خوزستان در تاریخ این دوره است (ر.ک. انصاری، ۱۳۷۷: ۱۳). وی سپس برای این نقیصه چند علت را برمی‌شمارد؛ از جمله عدم مراجعه نویسنده به منابع عربی، و تصریح می‌کند که این مسئله احتمالاً از عربی ندانستن نویسنده ناشی می‌شود (همان‌جا).

اگر از این گونه‌شناسی در تاریخ‌نگاری محلی خوزستان بگذریم، می‌توان دسته‌بندی دیگری را که بر مبنای محتوای کتاب‌ها استوار است، مشاهده کرد. در این تقسیم‌بندی می‌توان سه دسته از منابع را شناسایی کرد:

الف. منابع تاریخ خوزستان؛

ب. منابع جغرافیایی خوزستان؛ گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

پ. قوم‌شناسی خوزستان. *رتال جامع علوم انسانی*

در این مبحث نویسندگان بنابه علاقه، تخصص، تعلق، و وابستگی قومی، عشیره‌ای و قبیله‌ای خود، آثاری را به وجود آورده‌اند. نمونه‌هایی از این آثار را می‌توان این گونه سامان‌دهی کرد: کتاب *تاریخ پانصدساله خوزستان* اثر احمد کسروی؛ *تاریخ خوزستان* اثر سیدمحمدعلی امام اهوازی؛ *نگاهی به تاریخ خوزستان* اثر نیره‌زمان رشیدیان؛ *تاریخ خوزستان از دوره افشاریه تا دوره معاصر* اثر موسی سیادت؛ *تاریخ خوزستان* اثر مصطفی انصاری؛ *خوزستان گهواره تمدن شاهنشاهی ایران* اثر مهرباب امیری؛ *خوزستان و تمدن*

دیرینه آن اثر ایرج افشار سیستانی؛ خوزستان کهگیلویه و ممسنی اثر احمد اقتداری. این آثار به‌طور کلی در زمینه تاریخ خوزستان نگاشته شده‌اند.

بخش دیگر این منابع در زمینه جغرافیا، جغرافیای تاریخی و بوم‌شناسی خوزستان به رشته تحریر درآمده‌اند که از جمله می‌توان به آثاری همچون *تاریخ جغرافیای خوزستان* اثر سیدمحمدعلی امام شوشتری، *جغرافیای تاریخی خوزستان* اثر عباس میریان، *تاریخ جغرافیای عرب خوزستان* اثر موسی سیادت و *نگاهی به تاریخ خوزستان* اثر ایرج افشار سیستانی اشاره کرد.

در بخش سوم این مبحث منابعی را مشاهده می‌کنیم که عمدتاً در زمینه قوم‌شناسی خوزستان نگاشته شده‌اند؛ به این معنی که نویسندگان بنابه علایق قومی، وابستگی‌های قبیله‌ای و حمیت‌های شهری و منطقه‌ای دست به قلم برده، هر کدام قومی، شهری، قبیله‌ای و منطقه‌ای را برای مخاطب تاریخ‌نگاری کرده‌اند. از این منابع می‌توان به آثاری همچون *مدخلی بر شناخت قبایل عرب خوزستان* اثر کاظم پور کاظم، *تاریخ اینه و قوم بختیاری* اثر منصور امانی، *شوشتر در گذر تاریخ* اثر محمد تقی زاده، *نقش عشایر عرب خوزستان در جهاد علیه استعمار* اثر حاج کاظم پور کاظم، *امثال و حکم عرب خوزستان* اثر موسی سیادت، *اندیمشک و اندیمشکی‌ها از آغاز تا پایان سال ۱۳۶۰* اش اثر عباس امام و *تاریخ دزفول* اثر احمد لطیف پور اشاره کرد. در این تقسیم‌بندی و گونه‌شناسی می‌توان به آثار متفرق دیگری برخورد که البته خارج از موضوع مقاله حاضرند. نکته پایانی در بحث گونه‌شناسی در تاریخ‌نگاری محلی خوزستان اینکه دسته‌بندی منابع و ابعاد دیگری همچون وقایع‌نگاری، گاه‌شماری و بالاخره تاریخ‌نگاری را براساس نوع نگاه نویسندگان و خاستگاه پژوهشی و تحقیقی آنان می‌توان تسریع کرد که در تحقیق حاضر به گونه‌شناسی مندرج در متن بسنده شده است.

۴. هدف‌شناسی در تاریخ‌نگاری محلی خوزستان

در این بخش از تحقیق باید هدف‌شناسی در تاریخ‌نگاری محلی خوزستان را بررسی کرد. به عبارتی باید دید که تاریخ‌نگاری این منطقه اساساً با چه اهداف و رویکردهایی نوشته

شده است. شناخت این اهداف و رویکردها به مخاطب کمک می‌کند که ارزیابی درستی از متن و محتوای این نگارش‌گری‌ها داشته باشد. از طرف دیگر، با مراجعه به این منابع تاریخی می‌توان در هر دوره اوضاع منطقه را تا حد زیادی دریافت. این امر پیامد دیگری را هم می‌تواند به همراه داشته باشد و آن اینکه تاریخ‌نویسی همواره تداوم داشته باشد (نوذری، ۱۳۷۹: ۲۲۰). در بررسی تاریخ‌نگاری محلی خوزستان به نکته مهم دیگری نیز باید توجه داشت و آن اینکه با توجه به شرایط حاکم بر منطقه، خصوصاً حضور نگاه قومی پررنگ در فعالیت‌های فرهنگی از جمله نگارش تاریخ تمدن و فرهنگ منطقه، این مسئله حائز اهمیت ویژه‌ای می‌شود که با توجه به تأثیر اجتناب‌ناپذیر ارزش‌ها بر مورخان باید دید که مورخ به چه ارزش‌هایی پایبند بوده است (مک‌نیل، ۱۳۷۶: ۱۵۲)؛ چراکه در نگارش این گونه منابع داوری ستایش‌آمیز یا نکوهش‌آمیز گمراه‌کننده و خطرناک است (کار، ۱۳۵۷: ۱۱۶). نگارنده با اطلاع از این روند نامناسب و غیراصولی در تاریخ‌نگاری سعی کرده است که منابع تاریخ‌نگاری محلی خوزستان را با تأکید بر رویکردها و اهداف دسته‌بندی کند و به تحلیل محتوای آن‌ها بپردازد.

با نگاهی به حدود بیست منبع تاریخ‌نگاری محلی خوزستان و تکیه بر هدف‌شناسی و رویکرد نگارشی آن‌ها، چهار دسته مهم مشاهده می‌شود که به نظر می‌رسد مورخان تاریخ محلی خوزستان را با تکیه بر اهداف نگارشی آنان می‌توان در این چهار دسته قرار داد. این طبقه‌بندی عبارت است از:

- الف. مورخانی که نگاه کاربردی به تاریخ داشته‌اند؛
- ب. مورخانی که به تاریخ با مفهوم علمی نگریسته‌اند؛
- پ. مورخانی که با هدف احیای هویت منطقه‌ای و قومی تاریخ نوشته‌اند؛
- ت. مورخانی که به تاریخ نگاهی سنتی داشته‌اند که طی آن با هدف آشنا شدن با سرگذشت اقوام و نسل‌های گذشته به نگارش تاریخ دست یازیده‌اند.

برای آشنایی دقیق‌تر با هر کدام از این دسته‌ها به توضیح و تشریح آن‌ها پرداخته

می‌شود:

الف. نگاه کاربردی به تاریخ

در نگارش تاریخ محلی خوزستان سه منبع وجود دارد که با بررسی متنی و محتوای آن‌ها می‌توان تشخیص داد که هدف نویسندگان آن‌ها استفاده کاربردی از علم تاریخ در شکل‌گیری ساختارهای سیاسی، اجتماعی و اقتصادی جامعه است. یکی از این منابع سه‌گانه کتاب *تاریخ خوزستان از دوره افشاریه تا دوره معاصر* نوشته موسی سیادت است. نامبرده که خود خوزستانی است، سعی کرده است نگاهی کاربردی به علم تاریخ داشته باشد؛ از این رو با تکیه بر همین دیدگاه معتقد است: «تاریخ‌نویسان سنتی ما به تاریخ با دید واقعه‌نگاری و توصیفی می‌نگریستند و در مورد پادشاهان و فرمانروایان باستانی و معاصر که خوی و منش خونریزی و استبداد داشتند، قلم‌فرسایی کرده‌اند؛ بنابراین از چنین تاریخ افسانه‌ای - هرودوتی نمی‌توان سرمشق گرفت» (۱۳۷۹: ۱۲). به روشنی مشخص است که نویسنده نگاه توصیفی به تاریخ را بی‌فایده و یا دست‌کم فاقد پتانسیل سرمشق‌آموزی می‌داند؛ به همین دلیل رویکرد و هدف خود را از نگارش این کتاب به گونه‌ای توضیح می‌دهد که مبتنی بر استفاده کاربردی از علم تاریخ در جامعه است و می‌گوید:

با آگاهی مردم کشور از وقایع تاریخی و علل بروز آن‌ها می‌توان در بینش و گزینش دولت مردمی و فراگیر که بتواند بر مشکلات و معضلات جامعه چیره شود و راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی را سرلوحه کار خود قرار دهد، موفق عمل نمود (همان‌جا).
در این رویکرد هدف نویسنده از تاریخ‌نگاری آگاهی جامعه از تاریخ گذشته و استفاده از این آگاهی‌ها در گزینش دولت است.

منبع دیگری که در تاریخ‌نگاری محلی خوزستان با همین رویکرد به نگارش درآمده است، کتاب *خوزستان و تمدن دیرینه آن* اثر ایرج افشار سیستانی است. ایرج افشار سیستانی که ایران‌شناس پرکاری است، تألیفات زیادی در مورد خوزستان دارد. یکی از این تألیفات کتاب مذکور است و در بیان هدف خود از نگارش کتاب ضمن اشاره به موقعیت اقتصادی و جغرافیایی خوزستان، معتقد است: «سرزمین زرخیز خوزستان گذشته از موقعیت خاص طبیعی و جغرافیایی و دارا بودن منابع سرشار زیرزمینی از لحاظ تاریخی نیز از کهنسال‌ترین مناطق کشور به‌شمار می‌رود و از دیرباز دارای تمدن و فرهنگ درخشانی

بوده است» (۱۳۷۳: ۲۶). وی سپس ضمن برشمردن سایر ویژگی‌های مهم خوزستان، چه به لحاظ سیاسی و چه به لحاظ اقتصادی و فرهنگی، به این نکته اشاره دارد که مورخان باید با شناسایی چنین نقطه مهم و استراتژیک تاریخی - جغرافیایی زمینه‌ای به وجود آورند که بتواند «تأثیر شگرف بر حیات اقتصادی و رفاهی ایران به طور اعم و خوزستان به طور اخص داشته باشد» (همان‌جا) و درحقیقت هدف خود را استفاده کاربردی از علم تاریخ برای تغییر در حیات اقتصادی و سیاسی منطقه‌ای همچون خوزستان می‌داند.

سومین کتاب در زمینه تاریخ‌نگاری محلی خوزستان با رویکرد استفاده کاربردی از علم تاریخ مجدداً متعلق به موسی سیادت با عنوان *تاریخ جغرافیای عرب خوزستان* است. این کتاب که از طرفی در دسته قوم‌شناسی قرار دارد، با این نگاه نوشته شده است که «عشایر عرب خوزستان همانند سایر ایلات و عشایر ایران به علت نابسامانی‌های اقتصادی و اجتماعی، رنج‌ها و مشقات زیادی را متحمل شده‌اند» (سیادت، ۱۳۷۴: ۷). بنابراین باید با شناخت ویژگی‌های این منطقه و تاریخ آن شرایطی را فراهم کرد که «با استفاده از نیروی خلاق مردم و فضای سیاسی حاکم بر جامعه در جهت یافتن راه‌حل‌هایی مناسب برای ریشه کن کردن فقر مادی و فرهنگی اعراب خوزستان همت گماشت» (همان‌جا). با توجه به این هدف و رویکرد نگارشی می‌توان نتیجه گرفت که نویسنده کتاب مذکور اگر دست به تألیفات تاریخ خوزستان یا بخشی از آن زده، هدفی کاربردی داشته است.

ب. نگاه علمی به تاریخ

در میان تاریخ‌نگاران محلی خوزستان به نویسندگانی برمی‌خوریم که نگاهی علمی به تاریخ داشته‌اند؛ به این معنی که تاریخ شعبه‌ای از علوم است که باید صرفاً از همین زاویه به آن نگریسته شود. در این حالت باید در نوشتن یک اثر دقت شود که چارچوب علمی آن رعایت گردد. توجه و وسواس فراوان، چه در نگارش، چه در کاربرد اسناد و چه در قضاوت‌ها و نتیجه‌گیری‌ها، لازمه نگارش یک اثر تاریخی به معنای علمی آن است. در این نگاه و از این زاویه چهار منبع شناسایی شده است که یکی از آن‌ها اثر باارزش *تاریخ جغرافیایی خوزستان* از سیدمحمدعلی امام شوشتری است. وی به روشنی اعلام می‌کند که

متأسفانه در ایران حتی در پنجاه سال اخیر، در زمینه تاریخ‌نویسی به اسلوب علمی چندان کامیابی حاصل نکرده‌ایم و کمتر کسانی حوصله پرداختن به این علم شریف را که لازمه توفیق در هر رشته آن علاوه بر شرایط دارا بودن مایه علمی محتاج سال‌ها تتبع و ممارست است، پیدا کرده و در طی این طریق صعب‌العبور گام‌های ثمربخشی برداشته‌اند (۱۳۳۱: ۶).

امام شوشتری سپس در آسیب‌شناسی این وضعیت علت اصلی را «مرض کم‌حوصلگی در کارهای علمی در ایران» می‌داند و می‌نویسد:

حتی در ظرف این پنجاه سال که ایرانیان به علوم و تمدن اروپا آشنا شدند، در زمینه تاریخ‌نویسی پیشرفت شایسته حاصل نشده و همین نکته تأسف‌آور موجب گردیده که شمار کتاب‌های تاریخی که قابل توجه و مبتنی بر تتبع اسناد و توجه به علل وقایع باشد، در طول نیم قرن به شمار انگشتان یک دست هم نرسد (همان‌جا).

منبع دیگری که باید در این بخش مورد بررسی قرار گیرد، کتاب تاریخ خوزستان اثر مصطفی انصاری است که به‌عنوان رساله دکتری نامبرده در دانشگاه شیکاگو آمریکا در سال ۱۹۷۴م/۱۳۵۴ش به رشته تحریر درآمده و سپس در سال ۱۳۷۷ش نشر شادگان آن را به چاپ رسانده است. انصاری در بیان هدف خود می‌نویسد:

هدف این رساله این است که ماهیت، گستره و علل خودمختاری قبیله‌ای را در ایالت ایرانی خوزستان از سال ۱۸۷۸ تا ۱۹۲۵م بررسی کند و نشان دهد که روند دگرگونی یادشده، در مراحل آغازین خود در وهله اول ناشی از همین حالت خودمختاری بود؛ ولی سرانجام بدان منجر شد که خوزستان در گستره بزرگ سیاست ایران قرار گیرد (۱۳۷۷: ۱۶).

وی می‌افزاید: «این رساله سعی می‌کند نشان دهد که بسیاری از عوامل مؤثر در این دگرگونی از درون خود ایالت سرچشمه گرفته‌اند و عمل دولت تنها عامل دگرگونی نبوده است» (همان‌جا). انصاری سپس در توضیح نگاه خود به رسالت علم تاریخ در کشف

حقایق و وقایع تاریخی می‌نویسد: «تنها راه کشف حقایق امور، خصوصاً در زمینه مسائلی همچون جامعه ایلی و قبیله‌ای خوزستان، استفاده از تاریخ به معنای علمی آن می‌باشد» (همان، ۱۷).

سید کاظم پور کاظم از نویسندگان تاریخ خوزستان است که در کتاب خود با عنوان *امثال و حکم عرب خوزستان* ضمن توضیح هدف خود می‌نویسد: «غرض از این نوشته، تحریک و تحریض محققین و پژوهشگران عالی‌مقام در این مجال است؛ زیرا معتقدم که با وجود گنجینه پربار تاریخ و فرهنگ عوام، به‌ویژه در امثال و حکم این منطقه، کاری اساسی صورت نگرفته است» (۱۳۷۶: ۱۸). پور کاظم سپس ضمن اشاره به «عشق و علاقه به حفظ میراث فرهنگی این منطقه، تاریخ را بهترین ابزار علمی برای انتقال نسل‌به‌نسل میراث‌های بشری می‌داند» (همان، ۱۹). وی در کتاب دیگر خود با عنوان *نقش عشایر عرب خوزستان در جهاد علیه استعمار*، نیز بر همین مبنا نگاه خود به تاریخ را تبیین می‌کند و می‌نویسد: «با وجود اهمیت تاریخی و دینی واقعه جهاد عشایر و چگونگی رویارویی آن‌ها با دشمن کافر متجاوز، در کتاب‌ها و تاریخ غنی کشورمان کمتر از آن یاد شده است. پرواضح است که پنهان ماندن چنین واقعه مهمی نمی‌تواند بی‌دلیل باشد» (۱۳۷۵: ۱۱). او سپس یکی از عوامل مهم این فراموشی را شرایط خاص سیاسی خصوصاً در دوره رضاشاه ذکر می‌کند و در ادامه با نگاهی به تغییر شرایط بعد از انقلاب اسلامی معتقد است که «شجاعت‌ها، از خودگذشتگی‌ها و مجاهدت‌های غیورمردان قبایل عرب خوزستان را تاریخ است که روشن خواهد نمود و از دل تاریخ است که سرانجام حقایق روشن می‌شوند» (همان‌جا).

به این ترتیب، درمی‌یابیم که از منابع تاریخ‌نگاری خوزستان، این چهار منبع نوع نگاه مبتنی بر علمیت تاریخ را در اهداف نگارشی خود ذکر کرده‌اند.

پ. نگاه به تاریخ با هدف احیای هویت منطقه‌ای قومی

از میان آثار تاریخ‌نگاری خوزستان که در این تحقیق بررسی شده‌اند، بیشترین تعداد با هدف احیای هویت قومی و منطقه‌ای به نگارش درآمده‌اند؛ به این معنی که تاریخ‌نگاران

این منطقه همواره در بیان اهداف نگارشی خود از یک روش استفاده کرده‌اند و آن اینکه معمولاً در ابتدا با ذکر علاقه وافر به تاریخ ملی، باستانی و کهن ایران، بلافاصله علایق قومی و هویت منطقه‌ای را به‌عنوان اصلی‌ترین هدف خود بیان کرده‌اند. محمدعلی امام‌اهوازی از جمله این تاریخ‌نگاران است که هدف خود را این‌گونه توضیح می‌دهد: «جا دارد مورخان و متخصصان علوم اساطیری، زبان‌شناسان، اندیشمندان و اهل قلم گنجینه‌های خفته در دل خاک را بیرون کشند و سیمای واقعی این سرزمین، تمدن و هنر را در ابعاد مختلف آن‌چنان که شایسته این سرزمین است، ترسیم نمایند» (۱۳۷۹: ۶). امام‌اهوازی آنگاه به ترسیم نگاه و هدف خود در مورد خوزستان می‌پردازد و می‌نویسد: «سرزمین خوزستان با وجود داشتن سابقه تاریخی طولانی، بسیار کم مورد پژوهش و مذاقه علمی قرار گرفته و هنوز نکات بسیاری از وقایع مربوط به گذشته‌های دور و نزدیک آن کاملاً مبهم مانده‌اند» (همان‌جا). مهرباب امیری نیز در کتاب *خوزستان گهواره تمدن شاهنشاهی ایران* در بیان هدف خود از نگارش کتاب می‌نویسد: «امید که این تحقیق روشنگر گوشه‌هایی از تاریخ پرافتخار و عظمت ایران باستان باشد» (۱۳۵۰: ۱۲). او در مورد خوزستان و هویت تاریخی آن معتقد است: «درباره خوزستان گفتنی‌ها بسیار است. اگر روزی تاریخ سیاسی و اجتماعی این سرزمین کهنسال مورد بررسی و پژوهش قرار گیرد، بی‌شک از چند جلد کتاب قطور تجاوز خواهد کرد و امیدواریم این کار روزی انجام پذیرد» (همان‌جا). اما عباس میریان در کتاب خود با عنوان *جغرافیای تاریخی خوزستان*، ضمن اشاره به علاقه خود به مطالعه تاریخ و جغرافیای خوزستان، به‌عنوان سرزمین آبا و اجدادی خود، می‌نویسد: «غرور ملی نگارنده کتاب را واداشته که این خدمت ناچیز را عملی نماید» (۱۳۵۲: ۱۴). در این بخش سه کتاب دیگر مورد بررسی قرار می‌گیرد که تاریخ‌نگاری خوزستان را در بخش شهری و منطقه‌ای شکل می‌دهند. این سه منبع عبارت‌اند از: *تاریخ آینده و قوم بختیاری اثر منصور امانی؛ تاریخ شوستر محمد تقی‌زاده؛ اندیمشک و اندیمشکی‌ها اثر عباس امام*. این آثار همچنان که از نام و عنوان آن‌ها پیداست، با هدف و رویکرد منطقه‌ای و قومی به رشته تحریر درآمده‌اند. منصور امانی هدف خود را «ابتدا نه تنها تحقیق و مطالعه در تاریخ شهر ایده می‌داند، بلکه به تغییر و تحول تاریخ تمدن دنیای قدیم

و ارتباطی که مردمان از لحاظ نژادی و هنری و اقتصادی با یکدیگر داشته‌اند»، اشاره می‌کند (۱۳۸۲: ۱۹)؛ اما محمد تقی زاده در کتاب *شوشتر در گذر تاریخ* همین رویکرد و نگاه را چنین بیان می‌کند: «اندیشه زنده نگه داشتن افتخارات کهن میهنم مرا بر آن داشت تا با برجای نهادن این یادمان، شاید بتوانم دین خود را هر چند مختصر به این مرزوبوم ادا نمایم» (۱۳۸۱: ۱۴). وی به صراحت بیشتری در مورد هدف خود که همان احیای هویت قومی شوشتر است، سخن می‌گوید:

دلستگی روزافزون من به شوشتر و تاریخ کهن آن از سال‌ها پیش بر آنم داشت تا با استفاده از منابع معتبر تاریخی که در آن‌ها سخنی از این دیار فراموش شده و گذشته پرفرازونشیب آن به میان آمده است، مجموعه‌ای فراهم آورم تا همچون برگ سبزی به مردم خون‌گرم و بامحبت این سامان تقدیم نمایم (همان‌جا).

عباس امام هم در کتاب *اندیمشک و اندیمشکی‌ها* (۱۳۸۸: ۴۰)، هدف خود را نگاهی گذرا به گذشته تاریخی اندیمشک و ریشه‌شناسی پیدایش این نام تا زمان پیدایش قلعه صالح اعلام می‌کند و به دنبال آن است که چگونه قلعه صالح به روستای صالح آباد تبدیل و بالاخره با ماجرای عبور راه آهن از این نقطه به چه صورت منجر به تولد شهر اندیمشک شد. عباس امام، البته اهداف دیگری را نیز برای تألیف کتاب خود برمی‌شمارد و ضمن آن می‌گوید با نوشتن این کتاب می‌خواسته است با «ذکر تاریخچه‌ای از اندیمشک در آن دوره خاص، از کسانی که هریک به نوعی در حیات اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، هنری و ورزشی شهر نقش داشته‌اند، یادی به نیکی کرده باشیم» (همان‌جا).

ت. نگاه به تاریخ به مثابه آشنایی با سرگذشت اقوام و نسل‌های گذشته

در بخش پایانی این طبقه‌بندی به منابعی از تاریخ‌نگاری محلی خوزستان برمی‌خوریم که در واقع بیانگر تاریخ در تعریف کلاسیک و سنتی آن، یعنی آگاهی از شرح حال و سرگذشت اقوام، جوامع و تمدن‌های پیشین در منطقه خوزستان است. در این دسته دو منبع از همه مهم‌تر به نظر می‌رسد که یکی *تاریخ پانصدساله خوزستان* تألیف احمد کسروی و دیگری *مدخلی بر شناخت قبایل عرب خوزستان* تألیف سید کاظم پور کاظم است. این

دسته از منابع تاریخ را مانند همه پژوهشگران و محققانی دیده‌اند که با استفاده از آن و با علم بر آن می‌توان از سرگذشت اقوام و آحاد بشر آگاه شد. در این شیوه که شیوه سنتی تاریخ‌نگاری است، پژوهشگر باید همچون یک قاضی بی‌طرف (کالینگوود، ۱۳۸۰: ۱۳) به پردازش تاریخ جوامع پیشین بپردازد. در این شیوه، همچنین بین تاریخ‌نگار با محیط اجتماعی و سیاسی مورد مطالعه او توازن و هماهنگی به وجود می‌آید (سریع‌القلم، ۱۳۸۰: ۵۳)؛ به طوری که این توازن اجازه هرگونه پیش‌داوری را از مورخ می‌گیرد. با این مقدمه باید گفت اولین کتاب در این تقسیم‌بندی تاریخ پانصدساله خوزستان تألیف احمد کسروی است. کسروی که از تاریخ‌نگاران غیربومی خوزستان است، در دوره پهلوی اول به خوزستان آمده و حدود پانزده ماه در این منطقه زندگی کرده است. آن‌طور که کسروی می‌گوید: «زندگی در خوزستان توان‌فرساست؛ ولی من این سختی‌ها را بر خود آسان گرفته، کارهای خود را می‌گزاردم و گاهی که بیکار بودم در تاریخ آن سرزمین کهن به جست‌وجو می‌پرداختم» (۱۳۷۳: ۱۲). وی با تشریح هدف خود از نگارش کتاب می‌نویسد: این کتاب برای ستایش یا نکوهش کسی نیست؛ بلکه مقصود نگارش تاریخ و نشان دادن گذشته سرزمینی است که من پانزده ماه در آن به سر برده و از یک دسته از مردمش مهربانی‌ها دیده‌ام. این است که توانسته و کوشیده‌ام که گفته‌هایم به راستی نزدیک‌تر باشد (همان‌جا).

این هدف همان‌گونه که کسروی خود نگاشته است برای نشان دادن سرگذشت مردمی است که در منطقه‌ای از ایران بزرگ تاریخی کهن داشته‌اند.

دومین کتاب از این بخش مدخلی بر شناخت قبایل عرب خوزستان تألیف سید کاظم پور کاظم است. قبلاً در مورد سایر تألیفات او مطالبی ارائه شده؛ اما این کتاب با هدفی متفاوت از سایر کتاب‌های نویسنده نگاشته شده است، به طوری که می‌توان گفت هدف نویسنده صرفاً آشنایی با سرگذشت‌ها و آن‌چنان که خود می‌گوید: «یادآوری از اسلاف و انساب» بوده است. وی در ذکر هدف خود می‌نویسد: «پوشیده نیست که معرفت به علم انساب از امور مطلوب و از معارف مندوب است» (۱۳۷۴: ۱۲). پور کاظم در توضیح انگیزه

و هدف خود به مشکلات هم اشاره می‌کند و می‌گوید: «تحقیق دربارهٔ عشایر عرب خوزستان گرچه مشکلات عدیده‌ای برای محقق و نویسنده به همراه دارد؛ ولی باید تهدیدات معاندان و مغرضان را تحمل نموده و به جان خرید» (همان‌جا). در ادامه یادآوری می‌کند که این امر دارای منافع بی‌شماری است (همان‌جا)، و در توضیح این منافع می‌نویسد: «شناخت و معرفی صحیح عشایر و آداب و رسوم و به‌طور کلی ارزش‌ها و هنجارهای آن‌ها و نیز افراز اعمال، آداب و... مطلوب از نامطلوب و ارزشمند و ضدارزش معمول در اجتماعات آن‌ها» (همان، ۱۷) که این شناخت و معرفی هنجارها، آرمان‌ها، ایده‌آل‌ها و... در واقع ایجاد شناختی درست از آداب و سرگذشت جوامع کهن است.

۵. روش‌شناسی در تاریخ‌نگاری محلی خوزستان

در بخش روش‌شناسی می‌توان تاریخ‌نگاری محلی خوزستان را در یک تقسیم‌بندی کلی به دو دسته تقسیم کرد که عبارت‌اند از:

الف. تاریخ‌نگاری مصور؛

ب. تاریخ‌نگاری ترکیبی (مصور و نگارشی).

در میان کتاب‌هایی که تاریخ خوزستان را به رشتهٔ تحریر درآورده‌اند، منابعی دیده می‌شود که صرفاً از تصاویر استفاده کرده و با استفاده از زیرنویس آن‌ها توضیحاتی را برای مخاطب ارائه نموده که ضمن آن بخشی از تاریخ خوزستان تحریر یافته است. از میان این منابع می‌توان به کتاب‌های خوزستان سرزمین آب و آفتاب تألیف سعید راشدی، شکوه خوزستان تألیف جاسم غضبان‌پور و کتاب خوزستان تألیف نصرالله کسرایان اشاره کرد که منابع مذکور از این شیوه برای معرفی و تحریر تاریخ خوزستان استفاده کرده‌اند.

در مقابل این منابع، بخش دیگری وجود دارد که در آن‌ها ضمن نگارش تاریخ خوزستان، از تصاویر برای تفسیر و تبیین بهتر مطالب استفاده شده است؛ مثل کتاب تاریخ جغرافیای خوزستان اثر سیدمحمدعلی امام شوشتری و خوزستان و تمدن دیرینهٔ آن اثر ایرج افشار سیستانی که برای رعایت اختصار از ذکر نمونه‌های دیگر خودداری می‌شود.

در یک نگاه دیگر می‌توان منابع تاریخ‌نگاری محلی خوزستان را به اعتبار روش‌شناسی به دو بخش مجزا تقسیم کرد که عبارت‌اند از:

الف. تاریخ‌نگاری خوزستان

ب. جغرافی‌نگاری خوزستان

در بخش اول باید گفت که در حوزه تاریخ‌نگاری محلی خوزستان منابعی وجود دارد که صرفاً به تاریخ خوزستان و یا تاریخ بخشی از خوزستان می‌پردازد. در این زمینه آنچه که گفتنی است این است که در کتاب‌هایی که حوزه تحقیق آن‌ها تاریخ خوزستان است نویسندگان بی‌کم و کاست ابتدا به سراغ جغرافیای تاریخی خوزستان می‌روند و معمولاً وجه تسمیه خوزستان، رودخانه‌ها، کوه‌ها، راه‌ها و شهرهای استان را در یک فصل که ابتدای کتاب است، به خواننده می‌شناسانند، سپس به سراغ بخشی می‌روند که عنوان و تحقیق و حوزه پژوهش کتاب مذکور است. این روند را می‌توان به‌عنوان نمونه در کتاب‌های تاریخ خوزستان از دوره افشاریه تا دوره معاصر موسی سیادت، تاریخ خوزستان سیدمحمد علی امام اهوازی، خوزستان گهواره شاهنشاهی/ایران مهربان امیری و... می‌توان دید؛ همچنین در قسمت تاریخ بخشی از مناطق خوزستان می‌توان به کتاب‌های شوشتر در گذر تاریخ محمد تقی‌زاده، تاریخ دزفول احمد لطیف‌پور و اندیمشک و اندیمشکی‌ها عباس امام اشاره کرد.

در همه این منابع و منابعی مانند آن‌ها همین روند حاکم است. پس از این فصل که معمولاً فصل اول همه منابع تاریخ‌نگاری محلی خوزستان است، نویسندگان به سراغ تاریخ می‌روند و شروع به نگارش می‌کنند. در اینجا یک نکته دیگر بسیار جلب نظر می‌کند؛ اینکه همه منابع تاریخ‌نگاری خوزستان آنجایی که وارد تاریخ مکتوب و مستند خوزستان می‌شوند، نقطه آغاز تاریخ را تمدن عیلام و شکوه و عظمت آن در دنیای باستان می‌گیرند و خوزستان را مهد ظهور و اعتلای این تمدن می‌دانند. تقریباً به یقین می‌توان گفت که هیچ کدام از منابع تاریخ‌نگاری خوزستان از شمول این قاعده مستثنی نیست. در بخش دوم

منابع، یعنی جغرافی‌نگاری خوزستان، نیز بدیهی است که «جغرافیای تاریخی خوزستان» به‌عنوان فصل آغازین بر تارک همه کتاب‌های تاریخ‌نگاری محلی خوزستان نشسته است. در این بخش به یک اعتبار دیگر می‌توان منابع تاریخ‌نگاری خوزستان را تقسیم کرد که عبارت‌اند از:

الف. منابع منطبق بر اصول تاریخ‌نگاری؛

ب. منابع غیرمنطبق بر اصول تاریخ‌نگاری.

منابع تاریخ‌نگاری خوزستان را می‌توان براساس گزینه‌های فوق نیز تقسیم‌بندی کرد. تاریخ‌نگاری، سرگذشت‌نویسی و سرنوشت‌نگاری در میان اهل تحقیق و مورخان از اصولی پیروی می‌کند. به گفته برخی از محققان اگر بهترین داده‌ها و ناشناخته‌ترین اطلاعات به شیوه‌های جذاب منتقل نشوند، تلاش‌های پژوهشگران نتیجه مطلوب نخواهد داشت (آزیرن و سایر، ۱۳۸۹: ۴۷). با همین استدلال اگر روش‌شناسی تاریخ‌نگاری محلی خوزستان بررسی شود، با دو دسته فوق از منابع آشنا می‌شویم که در این قسمت نگارنده درصدد است تا اطلاعاتی هرچند مجمل درخصوص این تقسیم‌بندی ارائه کند.

در بخش «الف» تعدادی از منابع وجود دارد که با سبک و اسلوب شناخته‌شده‌ای به نگارش درآمده‌اند که ابتدا باید به کتاب *تاریخ خوزستان ۱۸۷۸-۱۹۲۵ دوره شیخ‌خزعل* اثر مصطفی انصاری اشاره کرد. این کتاب رساله دکتری نامبرده بوده است که در دانشگاه شیکاگو آمریکا از آن دفاع شده است؛ بنابراین با استفاده از شیوه‌های علمی، تحلیل محتوا و تطبیق و مقایسه اسناد آرشیوی، بهره‌گیری لازم صورت گرفته است. جدای از این کتاب، بخش دیگری از منابع در این دسته‌بندی وجود دارند که به دلیل اهلیت و آشنایی نویسندگان آن‌ها با علم و فن تاریخ‌نویسی، در لیست منابع منظم، کلاسیک و مبتنی بر اصول تاریخ‌نگاری قرار می‌گیرند که برای نمونه می‌توان به کتاب‌های *تاریخ خوزستان* اثر سیدمحمدعلی امام‌اهوازی، *تاریخ جغرافیایی خوزستان* اثر سیدمحمدعلی امام شوشتری، *خوزستان و تمدن دیرینه آن* اثر ایرج افشار سیستانی، *تاریخ آینده و قوم‌بختیاری* اثر منصور

امانی و شوشتر در گذر تاریخ اثر محمد تقی زاده اشاره کرد که برای رعایت اختصار و با پوزش از سایر نویسندگان به همین تعداد بسنده می‌شود.

در قسمت «ب»، یعنی منابع غیر منطبق بر اصول تاریخ‌نگاری، نیز می‌توان از تعدادی منابع نام برد که در این دسته کتاب‌هایی به رشته تحریر درآمده‌اند که از اصول و قواعد شناخته‌شده تاریخی پیروی نمی‌کنند. در ذکر ویژگی‌های این دسته باید گفت معمولاً استنادات به شیوه معمول علمی، نگارش مبتنی بر اصل حادثه‌نگاری با ترتیب و توالی زمانی، سرگذشت‌نگاری با ترتیب جغرافیایی و منطقه‌ای و نیز پیروی از انسجام متنی، چه در بعد کمی و چه در بعد کیفی، صورت نگرفته است؛ هر چند که به گفته بیهقی (۱۳۷۵)، هیچ نکته‌ای نیست که به خواندن آن نیرزد و آخر هیچ حکایتی خالی از پند نیست. در این بخش می‌توان به منابعی همچون نگاهی به تاریخ خوزستان اثر نیره‌زمان رشیدیان، تاریخ بختیاری اثر سردار اسعد علیقلی خان بختیاری، تاریخ پانصدساله خوزستان اثر احمد کسروی اشاره کرد و نیز از کتاب‌های تاریخ ذرفول اثر احمد لطیف‌پور و اندیمشک و اندیمشکی‌ها اثر عباس امام می‌توان نام برد که در این بخش تقسیم‌بندی می‌شوند.

۶. نتیجه

خوزستان با داشتن تاریخی کهن و تمدنی درخشان توجه بسیاری از محققان و مورخان را خصوصاً در دهه‌های اخیر به خود جلب کرده است. در این راستا می‌توان تاریخ‌نگاران محلی خوزستان را به دو دسته بومی و غیربومی تقسیم کرد. این مسئله موجب شده است که منابع نوشته‌شده از سوی افراد غیربومی همواره مورد انتقاد نویسندگان بومی واقع شود. ادعای این محققان و محور این نقدها عدم اطلاع تاریخ‌نگاران غیربومی از پیچیدگی‌های تاریخی، بافت اجتماعی و تنوع قومی خوزستان است. این مسئله موجب شده است که منابع تاریخ‌نگاری محلی خوزستان با دو رویکرد عمده نوشته شوند و آن اینکه معمولاً نویسندگان غیربومی با هدف احیای هویت و بازشناسی تاریخ خوزستان، به‌عنوان بخشی از تمدن بزرگ ایران، دست به تحریر یازیده‌اند؛ در صورتی که نویسندگان بومی بیشتر با هدف تشریح اهمیت این خطه از سرزمین ایران در شکل‌گیری فرهنگ و تمدن کهن

کشور دست به تحریر تاریخ این منطقه زده‌اند تا از این طریق سیستم سیاسی و حاکمیت را متوجه حقوق تاریخی مردم منطقه، اقوام موجود و نژادهای مختلف کنند. به همین دلیل در بیشتر منابع تاریخ‌نگاری محلی خوزستان با هر رویکرد و هدف نگارشی، بازخوانی اهمیت منطقه در شکل‌گیری تمدن و هویت ملی ایرانیان، به‌عنوان فصل ثابت و پایه‌ای، جایگاه ویژه‌ای دارد. در واقع، می‌توان گفت یکی از اهداف مهم و ثابت در تاریخ‌نگاری خوزستان، به‌ویژه منابعی که محققان بومی نوشته‌اند، تکرار اهمیت، نقش و تأثیر خوزستان در شکل‌گیری این هویت ملی و یادآوری آن به دولت‌مردان حاکم به‌منظور تشویق آن‌ها به درپیش گرفتن رویکردهای عمرانی و توسعه‌ای در منطقه بوده است. به همین دلیل در متن تحقیق مشاهده شد که منابعی که از سوی تاریخ‌نگاران بومی نوشته شده، کمتر با هدف آشنایی صرف با تمدن، تاریخ و فرهنگ کهن منطقه به رشته تحریر درآمده است.

منابع

- آزرین، برایان دی و ریچارد سایر (۱۳۸۹). *چگونه زندگی‌نامه بنویسیم*. ترجمه محسن سلیمانی. تهران: سوره مهر.
- افشار سیستانی، ایرج (۱۳۶۹). *نگاهی به خوزستان*. تهران: بلور.
- _____ (۱۳۷۳). *خوزستان و تمدن دیرینه آن*. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، سازمان چاپ و انتشارات.
- اقتداری، احمد (۱۳۵۳). *دیار شهرباران*. تهران: انجمن آثار ملی.
- _____ (۱۳۵۹). *خوزستان و کهگیلویه و ممسنی*. تهران: انجمن آثار ملی.
- امام، عباس (۱۳۸۸). *اندیمشک و اندیمشکی‌ها*. قم: عباس امام.
- امام اهوازی، سیدمحمدعلی (۱۳۷۹). *تاریخ خوزستان*. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی.
- امام شوشتری، سیدمحمدعلی (۱۳۳۱). *تاریخ جغرافیایی خوزستان*. تهران: امیرکبیر.
- امانی، منصور (۱۳۸۲). *تاریخ ایزده و قوم بختیاری*. قم: دارالکتاب.

دوفصلنامه علمی - پژوهشی تاریخ‌نگری و تاریخ‌نگاری دانشگاه الزهراء (س) / ۱۰۳

- امیری، مه‌راب (۱۳۵۰). **خوزستان گهواره شاهنشاهی ایران**. [بی‌جا]. چاپ شرق.
- انصاری، مصطفی (۱۳۷۷). **تاریخ خوزستان ۱۸۷۸-۱۹۲۵ دوره شیخ خزعل**. ترجمه محمد جواهر کلام. تهران: شادگان.
- بیهقی، محمدبن حسین (۱۳۷۵). **تاریخ بیهقی**. تصحیح علی‌اکبر فیاض. مشهد: دانشگاه فردوسی.
- پورکاظم، سیدکاظم (۱۳۷۴). **مدخلی بر شناخت قبایل عرب خوزستان**. تهران: آمه.
- _____ (۱۳۷۵). **نقش عشایر عرب خوزستان در جهاد علیه استعمار**. تهران: آمه.
- _____ (۱۳۷۶). **امثال و حکم عرب خوزستان**. تهران: آمه.
- تقی‌زاده، محمد (۱۳۸۱). **شوستر در گذر تاریخ از عهد باستان تا انقلاب اسلامی**. تهران: علم و ادب.
- جزایری، عبدالله‌بن نورالدین (۱۳۲۸). **تذکره شوستر**. اهواز: کتاب‌فروشی صافی.
- خیراندیش، عبدالرسول (۱۳۸۰). «صورت‌شناسی تاریخ‌های محلی». **کتاب ماه تاریخ و جغرافیا**. ش ۴۶ و ۴۷. ص ۲۱.
- راشدی، سعید (۱۳۸۹). **سرزمین آب و آفتاب**. تهران: کلهر.
- رشیدیان، نیره‌زمان (۱۳۶۷). **نگاهی به تاریخ خوزستان**. [بی‌جا]. سازمان چاپ و نشر کتاب.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۳). **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**. تهران: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سرداراسعد بختیاری، علیقلی‌بن حسینقلی (۱۳۶۳). **تاریخ بختیاری**. تهران: یساولی.
- سریع‌القلم، محمود (۱۳۸۰). **روش تحقیق در علوم سیاسی و روابط بین‌الملل**. تهران: فرزانه روز.

- سیادت، موسی (۱۳۷۴). **تاریخ جغرافیایی عرب خوزستان**. تهران: مؤسسه چاپ و نشر آتران- نشر سهند.
- _____ (۱۳۷۹). **تاریخ خوزستان از سلسله افشاریه تا دوران معاصر**. قم: موسی سیادت.
- ظهیرالاسلام زاده دزفولی، صدرالدین (۱۳۰۸). **شکروستان در تاریخ شش‌هزارساله خوزستان**. اهواز: چاپخانه فردوسی.
- غضبان‌پور، جاسم (۱۳۸۸). **شکوه خوزستان**. تهران: تیس.
- کار، ادوارد هالت (۱۳۵۷). **تاریخ چیست؟** ترجمه حسن کامشاد. تهران: خوارزمی.
- کالینگوود، ر.ج (۱۳۸۰). «آیا مورخ می‌تواند بی‌طرف باشد؟». ترجمه عزت‌الله فولادوند. **بخارا**. ش ۱۸. ص ۴۹.
- کسریان، نصرالله [بی‌تا]. **خوزستان**. اهواز: سازمان خدمات طراحی استان خوزستان.
- کسروی، احمد (۱۳۷۳). **تاریخ پانصدساله خوزستان**. تهران: بهمن.
- لطیف‌پور، احمد (۱۳۸۵). **تاریخ دزفول**. تهران: فرهنگ مکتوب.
- مک‌نیل، پاتریک (۱۳۷۶). **روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی**. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: آگه.
- ملایی توانی، علیرضا (۱۳۸۸). «اصول و مبانی سرگذشت‌نگاری». **مجله تاریخ‌نگاری و تاریخ‌نگاری**. ش ۳. ص ۱۴۴.
- میریان، عباس (۱۳۵۲). **جغرافیای تاریخی سرزمین خوزستان**. [بی‌جا]. کتاب‌فروشی میریان.
- نوذری، حسینعلی (۱۳۷۹). **فلسفه تاریخ؛ روش‌شناسی و تاریخ‌نگاری**. تهران: طرح نو.